

ویژه نامه کردستان

در کردستان چه می گذرد؟ صفحه ۷

درباره اعدام دکتر رشوند سرداری

صفحه ۲

صفحه ۵

اخبار کردستان

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیکار

۱۸

دوشنبه دوازدهم شهریورماه ۱۳۵۸ بهار: ۱۰ ریال

دست امپریالیسم از آستین هیئت حاکمه بیرون آمده (درباره شهادت هرمزگرچی بیانی)

قدرت حاکمه از طریق وسایل ارتباط جمعی که کاملاً در انحصار او می باشد، بر علیه هرمز و سایر مبارزینی که بطرز وحشیانه و ضد انقلابی اعدام شده اند اثر معکوس خواهد داشت. آنها هرگز به هرمز و هرمزها بصورت یک "خائن" و "ضد انقلاب" تصور که خائنین و ضد انقلابیون معرفی می کنند، بقیه در صفحه ۷

در میان اعدام شدگان گروه اول روز - های اخیر (گروه یازده نفره) که به بهانه اغتشاش در پاوه اعدام شدند، نام شهید "هرمزگرچی بیانی" نیز به چشم می خورد. اعدام ضد انقلابی و فاشیستی او که به بهانه های واهی صورت پذیرفت، قلبش تمام دوستان، آشنایان و دانش آموزان او را سخت دردم فترت، شینینا - ارتجاعی

چه کسانی مشمول اعدامهای فاشیستی میشوند

مردم می پردا زد و اعدامی ناجوانمردانسته صورت می گیرد

در جائیکه دکتر شیخ الاسلام زاده جانی دوران پهلوی بعنوان استفاده از تخصص زنده می ماند دکتر ابوالقاسم رشوند سرداری پزشکی که در حوادث نهاوند، سنندج نرده و گنبد گاوس به کمک مجروحان جنگ شتافته بود این چنین مقابل جوخه اعدام قرار می گیرد.

ما خواهان بررسی این اعدامهای فاشیستی و محکوم نمودن ظالمان آن هستیم.

"گروهی از پزشکان و وزیدنتهای بیمارستانهای تهران"

طبق خبری که از رسانه های گروهی مبنی بر اعدام ۹ نفر در پاوه منعکس شد، دکتر ابوالقاسم رشوند سرداری متولد تهران بعنوان محاربه با خدا اعدام گردید. دکتر رشوند سرداری پزشک جراح بیمارستان لقمان الدوله ادهم که تمام زندگی خود را وقف خدمت به خلق در لباس پزشکی کرده بود روز جمعه ۵۸/۵/۲۶ ساعت ۸ شب از تهران غزپاوه شد تا به کمک مجروحان جنگ پاوه بپردا زد. (بنابراین هرگونه اتهامی مبنی بر دخالت وی در جنگ ناخواسته پاوه مردود است) ولی ارتجاع بار دیگر به سرکوب خد متگزاران واقعی

پزشکان و پرستاران بیمارستانهای تهران قاتلین جنایتکار دکتر رشوند سرداری را رسوا میکنند!

پرستاری بیمارستانهای تهران بعنوان اعتراض به اعدام ضد انقلابی شهید دکتر ابوالقاسم رشوند سرداری پزشک جراحی که در حوادث پاوه به خاطر همکاری با خلق کرد بقیه در صفحه ۴

گرد هم آبی پزشکان و پرستاران در رابطه با اعدام ضد انقلابی دکتر رشوند سرداری:

امروز گروه کثیری از پزشکان و وزیدنتها و دانشجویان پزشکی و کادرهای

سرمقاله خلق کرد تسلیم نمیشود

کشور ما و سرنوشت انقلاب توده های ستمدیده ما از جهات متعدد بر لبه پرتگاه است. فاجعه کردستان یکی از نمودهای ملموس قدرت حاکمه در رابطه با مسائل حاد جامعه ماست. آنها کوشش می کنند این عملکردهای فاجعه آفرین خود را در زیر شعارها و هیاهوی بسیار مخفی کنند، از توطئه خارج و داخل و خائنین و... سخن می گویند و با استفاده از جریبه عواطف و احساسات دینی مردم ناآگاه می کوشند قضایا را وارونه نشان دهند اما روز بروز حقایق بیشتر بر مردم آشکار می شود و توطئه گران واقعی بیشتر افشاء می شوند. زیرا "عمل وارونه زدن" ممکن است برای ضد انقلابیون نقابدار داروئی ممکن باشد اما مسلماً درمان نخواهد بود.

خلفهای ستمدیده ایران که نالیان دراز، ستم مضاعف طبقاتی و ملی را تحمل کرده اند با شرکت فعالانه در امر انقلاب انتظار داشتند که یک حکومت انقلابی معتقد به نهادهای دموکراتیک جایگزین رژیم دیکتاتوری و وابسته به امپریالیسم شاه گردد و در قدمهای نخستین خود، حقوق ملی خلقهای ستمدیده کشور را به رسمیت بشناسد و امکانات لازم برای استقرار خودمختاری آنها را در چهارچوب ایران واحد، مستقل، آزاد و دموکراتیک هرچه سریعتر و مناسبتر فراهم نماید تا بدینوسیله نیروی به بند کشیده خلقهای ستمدیده در چنین جو آزاد و دموکراتیک بتواند رها شود، نکوفا گردد و متحد با دیگر خلقهای ایران، کشوری سعادتمند و نیرومند در این گوشه از جهان حیات نوین خویش را از سرگیرد.

اما برخورد قدرت حاکم با مسئله خلقها و بویژه کردستان چگونه بود؟ این بقیه در صفحه ۲

بقیه از صفحه ۱ **بقیه سرمقاله**

قدرت حاکم که نه مولود به شمر رسیدن انقلاب دموکراتیک ند امیربالیستی خلقهای ما بلکه حاصل نیمه کاره مانده آن و سازش امیربالیسم با بورژوازی لیبرال و نماینده گان خرده بورژوازی مرفه بود، از همان ابتدا عجز خود را نسبت به خلقها نشان داد و هیچ قدمی بسمت حل اساسی آن بر نداشت (و نمی توانست هم بردارد).

خلق کرد که دهها سال سابقه مبارزه سیاسی و نظامی در راه احقاق حقوق عادلانه خود دارد با حسن نیت کامل، در ماههای اول پس از سقوط رژیم شاه، پیشنهادهای عملی و مشخصی را به دولت مرکزی ارائه داد. هدفها و پیشنهادهای مشخصاً ضد امیربالیستی ضد فئودالی و در جهت بهبود اوضاع اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کردستان بود و تمام شرایط تضمین کننده وحدت سراسری ایران در آنها در نظر گرفته می شد و هیچگونه شائبه تجزیه طلبی در آنها نمی توانست راه یابد. از پیشنهادها شیکه به هیئت اعزامی دولت به ریاست داریوش فروهر ارائه شد گرفته تا مذاکراتی که با هیئتی بریاست آیت الله طالقانی در کردستان انجام شد و نیز مذاکراتی که هیئتهای کرد با دولت در تهران و در قم با آیت الله خمینی داشتند و بالاخره در بحثها و مقالات و پیشنهادهای که از سوی گروههای مترقی کرد و غیره مطرح شد، در همه اینها چشم انداز آینده ای دموکراتیک برای خلقهای ایران، منجمله خلق کرد ترسیم می گشت. اما بینیم دولست و قدرت حاکم با اینهمه مسائل و پیشنهادهای چه برخوردی داشته است؟

در درجه اول و بطور ریشه ای حق خلق کرد را در تعیین سرنوشت خود و حق خود مختاری، برسمیت شناخت.

قدرت حاکم نه تنها با پیشنهادهای عادلانه ارائه شده، سیاست "از این گوش بگیر و از آن گوش درکن" را دنبال کرده بلکه با این پا آن پا کردن، با عدم اجرای حتی وعده های شیم بند، با حمایت از گروههای مرتجع و دست نشانده مانند قیاده موقت و فئودالهای محلی، با بحال خود گذاردن و باز گذاردن دست ساواکیها و اعمال رژیم گذشته در دامن زدن به اختلافات محلی و بوجود آوردن فجایعی مانند برادر کشی در نقده و ...، راه را بر حل انقلابی مسئله کردستان بطور تمام و کمال بست.

و هنگامیکه پس از ماهها انتظار و درخواست و پیشنهاد، باز هم خلق کرد همچنان مجدانه به مطالبه حقوق حق خود ادامه داد هیئتی از طرف دولت بریاست مصطفی چمران راهی کردستان شد. او صریحاً از قیاده موقت عامل بی چون و چرای ارتجاع و امیربالیسم

(بشهادت نامه بارزانی به کیسینجر و فورد و تقاضای کمک از آنها) حمایت کرده آنها را "مهمان دولت ایران" خواند و خطاب به مردم حق طلب کردستان گفت که هم برای بزم آمده است و هم برای بزم و پس از آن گشتارهای مریوان است و سنج و سقز

و خائنینی که لباس انقلاب بتن کرده اند، انقلابیون راستین را به تهمت "فدا انقلابی بودن" به جوخه اعدام می سپارند... شهادت "گرچی" معلم مبارز و "دکتر ابوالقاسم رشوند" و فوج فوج اعدامیهای روزهای اخیر در کرمانشاه و نقاط مختلف

- هدف از نغمه توطئه در کردستان برای قدرت حاکمه :
- بایمال کردن حقوق عادلانه خلق کرد و دیگر خلقها .
- سرکوب کمونیستها و نیروهای مترقی .
- بازماندهی جدید ارتش و آزمایش کارآئی آن .
- منصرف کردن مردم از آشی که در مجلس خبرگسان بخته می شود .
- خفه کردن صدای آزادیخواهان و توقیف مطبوعات مترقی .

و محاصره شهرها و دهات کردستان و بسج توده های ناآگاه تحت عنوان مبارزه با "توطئه تجزیه و الحاد و مقصدین" و جوخه های اعدام برای نابود کردن نیروهای مترقی و کمونیستها و اتهامات ناروا بی حساب علیه شخصیت های کرد و راه انداختن تظاهرات و شعارهای خونخوارانه و کینه توزانه و فاشیستی نظیر "حزب دموکرات را به خاک و خون می کشیم" و بعد جوانان بی گناه و پاسداران را که عموماً طوسی مبارزات سال گذشته به انقلاب روی آوردند تخت عناوین وهمی و دروغین به کردستان ارسال کردن که با مردم بیگناه را بکشند یا خود کشته شوند ...

خانواده های این پاسداران از خسود می پرسند که خون این گشتگان بعهده کیست؟ قدرت حاکم برای توده های ناآگاه - که به تدریج آگاه و آگاه تر می شوند - چنین وانمود می کند که مردم و پاسداران و ارتش را علیه "پالیزبان" ها بسیج می کند. خلق کرد بارها فریاد برآورده است که این یک دروغ محض است اما این دروغ و دروغهای دیگر (نظیر آتش زدن خرمن بوسله گروههای مترقی و انقلابی و یا تعطیل کارخانه ها به وسیله آنان و یا تهمت زدن به آزادیخواهان که آنها آزادی عشرتکده ها را می خواهند!) را کسانی علتاً و با مدای بلند و هر روز تکرار می کنند که صداهای آیه و حدیث در حرام بودن دروغ را از حفظ دارند. البته این امر تعجیبی ندارد زیرا آنچه تعیین کننده است منافع طبقاتی است نه هیچ چیز دیگر. حقوق عادلانه خلق کرد چنان ثابت و روشن است که با منسوب کردن آن به توطئه های پالیزبان خاش و یا انحرافات فلان و بهمان گروه بایمال شدنی نیست. امروز، "پالیزبان" ها و "ثابتی" ها در خیابان ها و ادارات امنیتی جدید با همان شیوه ها و اهداف گذشته مشغول بکارند (چرا که هم شکنجه و ... وجود دارد و هم کمونیستها و مجاهدین در زندان و تحت تعقیبند)

کردستان خواهد در دناک این فجایع اند. از سوی دیگر قانون شوم به اصطلاح اقدام علیه امنیت کشور برجاست و در حالیکه مهاجرانی ساواکی و خاش و امثال پسر - شمار او فقط به خلق لیباس! محکوم می شوند و شیخ الاسلام زاده ها از اعدام نجات می یابند، انقلابیونی را در خوزستان و کردستان صرفاً بخاطر کمونیست بودن و دفاع از خواسته های ملی خلقهای ایران، به جوخه اعدام سپرده می شوند، یا کسانی را صرفاً بخاطر داشتن کتابها و مجلات کمونیستی به زندان می اندازند و ... فرماندهانسی مزدور که در تمام مدت انقلاب بروی مردم کلپوله یاریدند و حتی ۸ روز پس از قیام مسلحانه ۲۱ بهمن همچنان در یادگانه های خود از شاه قراری دفاع می کردند به سر کار هستند و سرمایه دارانی که با خون کارگران میلیونها تومان در جیب دارند مورد احترام اند ولی "دادگاهها" ساطور خود را بالای سر کمونیستها و انقلابیون گرفته اند.

قدرت حاکم آتش جنگ را زمانی در سنجج برمی افروزد که طبق اخبار موثق و برخلاف ادعای دستگا های دروغبار کنی رژیم آن شهر در آرامش کامل بوده است. اقدامات قدرت حاکم طی چند ماه گذشته جو را چنان حساس و فضا را چنان قابل اشتعال در آورده است که با کوچکترین تحریکی یک نقطه از کردستان در جنگ داخلی غرق می شود. قدرت حاکم که "انقلاب را هرگز بوجود نیاورد بلکه سرانجام آنها را با اجبار پذیرفت" چاره ای ندارد جز آنکه حتی برای اهداف ضد انقلابی خود از نام انقلاب سو استفاده کند چرا که توده ها به چیزی جز به انقلاب ایمان ندارند. این امر در عین حال که نشان دهنده قدرت انقلاب در بین توده ها است خظیر بودن سو استفاده از آن را نیز نشان میدهد.

★ ★ ★

انقلاب پرشوان توده ها و قیام بهمن بقیه در صفحه ۳

اعدام دکتر ابوالقاسم (داریوش) رشوند سرداری پزشک انقلابی

سه شنبه ۲۵ مرداد ۵۸ دکتر ابوالقاسم رشوند سرداری جراح بیمارستان لقمان - الدوله ادهم تهران را در پناه تیرباران کردند.

رادیو و تلویزیون و روزنامه های دولتی او را مدافعان انقلاب نامیدند. حاکم شرع او را محارب با خدا خواند.

دکتر رشوند سرداری یک پزشک انقلابی بود. زندگی او در خدمت خلق بود و در خدمت به خلق شهید شد.

دکتر رشوند سرداری در تمامی روزهای سیاه رژیم شاه خاشاک گلوه های امپریالیسم سینه مردم قهرمان ایران را میشکافت،

با کوشش پایان ناپذیر و با اعتقاد بسه مبارزه خلق قهرمان بر علیه دیکتاتوری و امپریالیسم، در اطاق عمل در خدمت فرزندان خلق بود. زیر گلوه های ارتش و ساواک شاه، با گروه امداد آیت الله

طالقانی به شهادت رفت. و مردم ستم دیده آن شهر را یاری داد. نوروز را بی

زخمیان و مجروحان سندیج بود. در سخت ترین شرایط به کمک مجروحان گنبد رفت. جمعه ۲۶ مرداد، ساعت ۸ شب دکتر رشوند از

تهران رفت تا به مردم ستم دیده پناه یاری دهد. صبح سه شنبه به موجب حکم حاکم شرع همان گلوه هایی که بهترین فرزندان خلق

را در دوران دیکتاتوری شاه خاشاک بخون می کشید، دکتر ابوالقاسم رشوند سرداری این فرزند قهرمان خلق را از پای در آورد.

دکتر رشوند در سفر پناه خطر را در پیش می دید. هر سفر او برای مجروحان خلق پر مخاطره بود. اما این خطر میدان جنگ

نبود که دکتر رشوند ۲۷ ساله را از پای در آورد. این پزشک انقلابی را به جرم

اعتقاداتش و به اتهام عضویت در سازمانی سیاسی که با آن نسبت و رابطه ای نداشت به خون کشیدند. امپریالیسم هر روز به چهره ای

درمی آید و این بار نیز با نقاب انقلاب فرزندان راستین انقلاب را به خون می کشد.

خلق قهرمان در مبارزه با امپریالیسم برومندترین فرزندان خود را فدای کرده است و تا پیروزی کامل قهرمانانه به این مبارزه ادامه خواهد داد.

گروهی از پزشکان و پرستاران بیمارستانهای تهران

۵۸/۴/۱

مذهبی قطعات کمیخته اش را با بلاطی به هم وصل کرد و لایه های ستم دیده و انقلابی درون ارتش مانند همافران و سربازان را "سرجای خود" نشاند و با صغیه و محاکمه کرد. قدرت حاکم علیرغم ادعاهای اولیه خود مبنی بر اینکه "وظیفه ارتش حفظ سرحدات است نه دخالت در مسائل داخلی"، ارتش را به سرکوب خلق کرد و اادار می کند یعنی همان کاری که رژیم شاه میکرد.

۴ - همزمان با تشکیل "مجلس خیرگان" و تصویب قانون اساسی برای اینکه ذهن مردم متوجه مسائل دیگر نشود و اصلاً نفهمند که چه برسر آنان می آید باید نفهمند. ای دیگر و یا سروصدای هرچه بیشتر ساز کرد و با همان "سنگ" پرتاب شده این نشانه را هم زد! (هر چند دیگر این نشانه در اوضاع و احوال کنونی نشانه مهمی نباشد)

۵ - در رابطه با تحقق همه این هدف های ضد مردمی باید روزنامه های مترقی را که متعکس کننده صدای زحمتکشان اند بست و اجتماعات نیروهای مترقی و آزادی بیان و قلم را با هروسيله ای از تحریم غیر مستقیم گرفته تا قانون مطبوعات آقایی

احسان نراقی (فرد سرسیده رژیم سابق و دوست نزدیک آقای بنی صدر که به پاس همین دوستی به تنها از زندان آزاد شده بلکه

به "کار" خود ادامه می دهد) و چسبانی بدستان و هوچی های لومین سرکردگی "زهرا خانم" ها و بالاخره دستگیری

مسئولین و کارگران و حتی فروشندگان روزنامه ها و شهید به محاکمه آنان، ممنوع و قدغن نمود. واقعاً چه چیز برای دیوارتجاج از شعاع نور حقیقت خطرناکتر است؟

و... آری، این است آنچه جریان دارد. اما توده های آگاه، با چشمان باز خویش، برای ارتجاج و امپریالیسم عاقبت خوشی نمی بینند. توده های آگاه و نیروهای

مترقی نماینده زحمتکشان این وقایع و برخوردها را در سبهای تازه ای در راه دراز و دشوار پیروزی زحمتکشان می دانند. راهی

که جز با آگاهی هرچه بیشتر، با تشکل و ایجاد صفوف متحد که هدف از آن تحقق

آرمانهای انسانی و عادلانه کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان است، پیموده نخواهد شد. همه باید در چنین راهی که

علیرغم توطئه ها و نقابهای گوناگون بورژوازی و امپریالیسم، مسلماً به پیروزی

می انجامد، قدم بگذاریم. ■

بقیه از صفحه ۲ بقیه سر مقاله

ماه چنان تزلزلی در ارکان رژیم وابسته به امپریالیسم شاه انداخت که بخشهای مهمی از آن، منجمله نظام سلطنتی را به زباله دان تاریخ پرتاب کرد اما بدلیل ناتمام ماندن انقلاب، بنیان رژیم وابسته به امپریالیسم نابود نشد و قدرتمندان پس از قیام، تاکنون قریب ۷ ماه است که کوشیده اند به ترمیم برخی شکافها و پاره گیمهای آن اقتصاد و نظام وابسته بپروازند و با مصالح دست نخورده و باقی مانده گذشته همان ساختمان را گیرم بسا نشانی دیگر برپا سازند. آری آنها کوشش خود را کرده اند اما بدلیل جو انقلابی موجود موفقیت چندانی در تثبیت وضعیست نداشته اند. این است که شغله ای دیگر ساز کرده اند: شغله توطئه در کردستان و بیج وسیع توده های نا آگاه علیه خلق کرد و علیه کلیه نیروهای مترقی که در سر آرمانهای انقلاب توده ای را می پروراندند و تا پای جان در راه آن می ایستند. اما این شغله و این دست آویز، باید کدام درد هیئت حاکمه را درمان کند؟

۱ - خواستهای ملی خلقهای ستم دیده که بمورت مانعی در راه گسترش حاکمیت بورژوازی وابسته و همدستان وی در آمد سرکوب شود.

۲ - کمونیستها و نیروهای مترقی و انقلابی که بارها ادعا شده است که یکی دو درصد بیشتر نیستند اما قدرت منطق و پیگیری آنها در امر انقلاب و روبه رشد بودن پایگاه آنان که عبارت است از طبقه

کارگر و دهقانان و دیگر زحمتکشان، لوزه براندام بورژوازی انداخته است، بایسد سرکوب شوند. چون این "یک درصد" از آن

"اقلیتها" است که قدرت تاریخی آن - بخواهند یا نخواهند - بر به اصطلاح اکثریت

می چربد. این است که باید هرچه زودتر ولو با "برجیب" ضد انقلابی "هم که شده سرکوبش کرد، و در اجرای این سیاست همراه با هزار

خدعه و خیمه شب بازی مراکز علمی سازمان های انقلابی را - که دستاورد قیام بود - از آنان گرفت.

۳ - ارتش این چماق سرکوب طبقات حاکم دوران گذشته را که با قیام دلبران

همافران و تاثیر مبارزات توده ها در صفوف پائین ارتش، بشدت ترک برداشته و علیرغم تلاشهای فراوانی که تاکنون بوسیله فریبدها و بناکرها و فلاحی ها بکار برده شده هنوز

قابل اطمینان نیست. باید با نمایشی دیگر و با تکیه بر فرمان امام و فتوای

خلق کرد خود مختاری می خواهد نه جنگ

بقیه از صفحه ۱

پژشکان و پرستاران ۵۵۵

توسط دادگاه انقلاب اسلامی محاکمه و به جوخه اعدام سپرده شد در خیابان جلوسوی وزارت بهداشتی اجتماع کرده و با دست داشتن پلاکاردهایی در جهت اعتراض به این عمل غیرانسانی و عکس‌هایی از آن تهیه و مراتب آنرا جار و شفر خود را ابراز کرده و از مقامات مسئول دولتی و وزارت بهداشتی خواهان رسیدگی و پاسخ کوبی به این حرکت ضد انقلابی شدند.

این گروه‌هایی از یکی دو روز قبیل اطلاع داده شده بود و همانگونه که انتظار می‌رفت و چندان هم سابقه نیست گروهی عناصر آگاه و کسانی که خواسته و نسل - خواسته بازجه دست‌انبراییم و ارتجاع شده‌اند در اطراف صفوف پرشکان و پرستاران جمع شده و شروع به دادن شعارهای همیشگی خود (حزب فقط حزب‌الله و الله اکبر) کردند.

در این جریان عده‌ای از پاسداران مسلح در اطراف اجتماع کنندگان جمع شده و ناظر اتفاقات بودند. در این بین به کرات از طرف همان گروه مرتجع که در اطراف محل تجمع بودند الفاظ مستهجن و رکبک به پرشکان نسبت داده میشد و در چندین مورد هم به ایراد ضرب به تظاهر کنندگان انجام میداد. ضمناً حدود یک ساعت از طرف گروه مزبور به مجتعمین اولتیماتوم داده شد که متفرق شوند والا ایشان به زور متوسل شده و آنها را بپراکنده خواهند کرد. به دنبال این حوادث پاسداران برای از هم باسندن اجتماع در خیابان شروع به تیراندازی هوایی کردند، با توجه به این جریانات چندان از پرشکان وارد وزارت بهداشتی شده و با دکتر سامی وزیر بهداشتی شروع به مذاکره کردند. در جریان این مذاکرات دکتر سامی با ابراز تاسف از اتفاقاتی که در چند روز اخیر افتاده و منجر به شهادت دکتر رشوند شده است قرار گذاشتند که همگی فردا یعنی یکشنبه ۵۸/۶/۴ در محل آمفی - تاتر بیمارستان امام خمینی (هزارتخت‌خوابی) جمع شده و با حضور خود ایشان و نماینده دادستان انقلاب اسلامی تهران دلایل و مدارک موجود بر علیه شهید دکتر رشوند اقامه شود تا به اطلاع عموم پرشکان و پرستاران که در حقیقت نماینده‌هایی از کادرهای درمانی ایران هستند برسند و ماهیت واقعی جریانات کردستان بر همه روشن و افشاء شود.

ما پیشاپیش می‌دانیم که دلایل اقامه شده هرچه که باشد تفسیری حراصل قضیه که اعدام ناجوانمردانه یک پزشک مبارز و متعهد است تفسیری نخواهد کرد ولی به

توجه به مصاحبه‌ای که شیخ صادق خلخالسی روز قبل (۵۸/۶/۲) با صدای جمه‌پوری اسلامی داشته و با توجه به دلایلی که برای شهادت دکتر رشوند آورده است لازم می‌دانیم که نکات زیر را متذکر شویم :

۱ - اولاً این اولین بار نبود که دکتر رشوند برای رساندن کمک و اقدامات درمانی در مورد مجروحان به یک قسمت از مملکت مسافرت می‌کرد. چرا که در زمان رژیم کثیف پهلوی هم همراه با عده‌ای از پرشکان و پرستاران از طرف کمیته امداد آیت‌الله طالقانی به نیاوند سفر کرد و در شرایطی که هنوز رژیم پهلوی حاکمیت‌ننگین خود را اعمال میکرد و کبتر کسی حاضر به قبول چنین مسئولیت خطیری بود به کمک مجروحان حوادث خونین نیاوند شتافت. بعداً بنا حضور خود در حوادث فروردین ماه ستنسج و سپس در گنبد به ادامه رسالت انسانی خویش پرداخت، مضافاً به اینکه در جریانات قبل از انقلاب شکوهمند بهمن ماه در تمام نظاهرات حضور داشت و حتی روز و دو امام خمینی به ایران مسئول گروه پزشکی مستقر در میدان منیریه بود. بنا بر این صرف حضور در یک شهر یا یک منطقه برای کمک‌های پزشکی جرم محسوب نمی‌شود.

۲ - دکتر رشوند بنا به مدارک موجود در ساعت ۸ بعد از ظهر جمعه ۵۸/۵/۲۶ بنا انبوس از تهران به سمت پاوه حرکت کرده و برخلاف گفته شیخ صادق خلخالسی همراه گروه خاصی هم اعزام نشده بود و به تنهایی اقدام به این مسافرت کرده بوده است. دیگر اینکه وقتی دکتر رشوند در تاریخ شنبه ۵۸/۵/۲۷ به پاوه می‌رسد بنا به گفته خود آقای خلخالسی اغتشاشات فروکش کرده بوده است و اوضاع تحت کنترل ارتش و پاسداران بوده و بنا بر این درگیری به آن شدت که ایشان گفته‌اند نمی‌توانسته اتفاق بیافتد.

۳ - دلیل دیگر آقای خلخالسی این است که ایشان کرد نبوده‌اند، ما می‌پرسیم مگر هر پزشک که در یک منطقه کار می‌کند الزماً باید به زبان همان محل صحبت کند به این معنی که یک پزشک ترک نمی‌تواند در بلوچستان مشغول به کار باشد چرا که به زبان بلوچی آشنائی ندارد ؟

در رابطه با همین مسئله لازم به یادآوری است که تنها پزشک شهر همراه یک بهار در همان بیمارستان پاوه در روزهای اول جنگ توسط پاسداران کشته شده و در حقیقت شهر بدون پزشک بوده است. باز در ارتباط با همین قضیه آقای خلخالسی گفته است که دکتر رشوند با اینکه کرد نبوده لباس کردی پوشیده بوده است که ما باز سوال می‌کنیم آیا پوشیدن یک لباس می‌تواند دلیلی برای وارد کردن اتهام باشد ؟

۴ - در انتها ماتی که آقای خلخالسی به دکتر رشوند وارد کرده سخنان متناقضی وجود دارد به این ترتیب که یکجا ایشان عنوان کرده‌اند که شهید دکتر رشوند عضو حزب دموکرات بوده و از طرف دیگر در جای دیگر عنوان کرده‌اند که ایشان با فدائیان خلق همکاری داشته است. اولاً دکتر رشوند به هیچ وجه با حزب دموکرات یا هر سازمانی در ارتباط نبوده و ثانیاً کسانی که مختصر اطلاعاتی از جریانات سیاسی وایدئولوژیک جامعه ما دارند میدانند که مبنای عقیدتی این دو گروه سیاسی متضاد یکدیگر بوده و ارتباطی بین آنها موجود نیست.

۵ - آقای خلخالسی در جریان صحبتشان چندبار به مسئله تجزیه کردستان بمنعوان خواست حزب دموکرات نیز همینطور دکتر رشوند اشاره کرده است که با توجه به دلایل عدیده و اعلامیه‌های متعدد و مصاحبه‌های رهبران سیاسی کردستان مسئله تجزیه طلبی اصلاً در مورد این خطه مطرح نیست و تنها خواست خلق کرد حق خودمختاری خلق کردستان در چارچوب ایرانی آزاد ایرانی می‌باشد. بنا بر این استناد به چنین دستاویزهایی همان‌ها است که شاه مزدور و همدستان کثیفش انجام می‌دادند.

۶ - در پایان مصاحبه شیخ صادق خلخالسی عنوان کرده است که این پزشک سرم‌های خون مریخی‌ها و پاسداران مجروح را می‌کشیده و داروهای آنها را به سرقت می‌برده و در اختیار اغنای حزب دموکرات قرار میداده که اولاً نه این مسئله ثابت گردنی است و نه اینکه این عمل کثیف و غیرانسانی در شان یک پزشک متعهد است که بارها صداقت و ایمان واقعی خود را به خلقها ثابت کرده است. با توجه به دلایل فوق و بسیاری دلایل دیگر ما پرشکان و پرستاران تمام کادرهای درمانی متعهد در جلسه عمومی که فردا یکشنبه ۵۸/۶/۴ در آمفی تاتر بزرگ بیمارستان امام خمینی جمع می‌شویم تا شاهد روشنگری حسابات و جریاناتی باشیم که تا خواسته از طرف امپریالیسم و ارتجاع به خلق‌های ایران تحمیل می‌شود.

زنده باد یاد شهیدان بخون خفته خلق
مرک بر امپریالیسم و ارتجاع وابسته به آن
برقرار باد اتحاد شکوهمند خلقهای ایران

گروهی از پرشکان و پرستاران

بیمارستانهای تهران

۱۳۵۸/۶/۲

اخبار

☆ - ۲۹ مرداد

روستائیان شرافتمند و زحمتکش مریوان! اهالی مبارز شهر مریوان!

تشکیل اتحادیه دهقانی مریوان و اورامان و توسعه فعالیت های آنها همیشه شما شریک میگوئیم. همانطوریکه بارها اعلام داشته ام اعتقاد عمیق من بر اینست که خودمختاری واقعی کردستان در چهارچوب یک ایران آزاد تنها هنگامی عملی میشود که کارگران و دهقانان بتوانند سهم اساسی را در اداره امور به عهده بگیرند. در واقع خودمختاری خلق کرد برپایه اتحادیه های زحمتکشان استوار خواهد بود. امیدوارم روحانیون مبارز در تقویت اینگونه اتحادیه های زحمتکشان بکوشند و بدانند که اهالی می توانند ذکات شرعی خود را در اختیار این اتحادیه های دهقانی قرار دهند زیرا فلسفه و هدف از ذکات شرعی، مصرف آن در راه آبادانی و ترقی و سعادت عمومی است. چنانکه خود علما اعلام می دانند یکی از مصارف ذکات (فی السبیل الله است) که به مصالح عمومی تفسیر شده، به "فی ظلال القرآن" تفسیر سید قطب مراجعه شود. به امید موفقیت برای همه ملت مصلحان کرد.

۱۳۵۸/۲/۲۷

درگیری بین اتحادیه دهقانی تبله کو و اربابان منطقه

اتحادیه دهقانی تبله کو که از ۴۸ ده تشکیل شده است یکی از بزرگترین اتحادیه های دهقانی است که توسط زحمتکشان روستا به وجود آمده است. اربابان این منطقه بعد از قیام بهمن ماه و سرنگونی رژیم شاه جلاذ تصمیم می گیرند که ناحده مکان نظام ارباب و رعیتی را بشکل سابق مجدداً احیا کنند. در اجرای این سیاست به تاریخ ۵/۱۵ چند کمپاین را به زمینهای روستائیان ده " تازه آباد" وارد کرده و به برداشت محصول اقدام می کنند. اما اتحادیه دهقانی تبله کو بشدت با آنان به مبارزه برمی خیزد و ۱۷ نفر از اربابان را دستگیر می کند که بعداً با گرفتن ۷۰ هزار تومان خسارت آنان را آزاد می کنند. و در ضمن ۲ کمپاین ۴ تراکتور، ۳ لندرو، ۱ رنجور، ۱۰ جیب و یک زبان را به نفع اتحادیه دهقانی ضبط می کنند. اربابان دستگیر شده توسط اتحادیه دهقانی، همان هایی بودند که بکمک علی اشرف خسان دستگیری، حادثه ده کوکتو را بوجود آوردند.

ارتجاع در شهرهای کرمانشاه، قصرشیرین، سرپل ذهاب و کرند بسیاری از مبارزین کمونیست (معلم، دانشجو، دانش آموز) را دستگیر کرده و تاکنون تعدادی از آنان را تیرباران کرده است.

- ☆ - ۹ شهری که روز سه شنبه ۳۰ مرداد ماه خبر اعدام آنان در پاوه انتشار یافت به هیچ وجه در جریان درگیریهای پاوه نبوده اند. آنان انقلابیون نی هستند که از سایر شهرهای منطقه دستگیر شده و از زندان کرمانشاه به پاوه انتقال داده شده و در آنجا تیرباران شده اند.
- ☆ - تعدادی از دانشجویان پیشگام و مبارز کرمانشاه دستگیر شده اند و تعدادی هم از بیم تهاجم ارتجاع به شهرهای دیگر رفته اند.
- ☆ - در جریان درگیریهای پاوه رادیو کرمانشاه به مردم توصیه می کند که معلمی را که دهقانان و زحمتکشان را تحریک کرده اند معرفی نمایند.
- ☆ - در بین تیرباران شدگان مرحله اول (ده نفر) پسر ۱۶ ساله ای بود که فرزند نشریات مارکسیستی - لنینیستی بوده است.

اخبار سنج

- ☆ - ۵۸/۵/۲۷ - در حدود ۶ پاسدار که می خواستند از میان دو آب به سمت سنج و پاوه بروند خلع سلاح شده و از حرکت آنان جلوگیری می شود.
- ☆ - تمام اهالی دهات کنار جاده های منتهی به کردستان، به نیروهای انقلابی کمک می کنند و در بازرسی ماشین ها آنان را مساعدت می نمایند.
- ☆ - ۵۸/۶/۱ - یک گردان که از سنج به عنوان نیروی کمکی عازم بقر بود (گفته می شود که این گردان دارای ۳۸ عدد تاک بوده است) در ۵ کیلومتری سقر با حمله نیروی مردم روبرو گشته و از هم پاشیده می شوند. در این جریان ۱۲۰ نفر از نیروهای نظامی کشته و ۱۵۰ نفر از مردم شهید شایسته شدند. در این میان سلاحهای نظامیان توسط مردم ضبط می شود. در رابطه با این درگیری هبنتی از ارومیه به مهاباد برای مذاکره می رود ولی نتیجه ای حاصل نمی شود. نمایندگان کردها در این دیدار ملارحیم عباسی - رئیس شورای شهر - رحیم قاضی و عده ای دیگر بودند. هیئت ارومیه ای از نمایندگان خلق کرد دعوت می کند که برای مذاکره به تهران بیایند.
- ☆ - شایع است در مراغه بین ارتش و پاسداران اختلاف بروز کرده و در نتیجه به زد و خورد بین ارتش و پاسداران انجامیده. قضیه از آنجا آغاز می شود که به ارتش دستور حرکت به سوی مهاباد را می دهند و لسانی ارتشیان " تمرد" می کنند و می گویند ما به برادر کشی نمی زویم.
- ☆ - سنج - ساعت ۲ بعد از ظهر روز یکشنبه ۵۸/۵/۲۸ به این بهانه دروغ و خبر جعلی که گویا کردها زبان سنج را در مسجد جامع شهر گروگان گرفته اند، فرمان لشکر کشی به سنج صادر شد. ارتجاع می خواست با این خبر جعلی که بلافاصله بوسیله استانداری کردستان تکذیب شده بود از احساسات مردم سودجسته و آنان را بر علیه خلق کرد برانگیزد.
- ☆ - اعزام نیرو تا صبح روز ۵۸/۵/۲۹ همچنان ادامه داشت. پاسداران و ارتش به محض اشغال شهر، شروع به خانه گردی و دستگیری مردم در منازل و کوچه و خیابان نمودند، که تا عصر همان روز تعداد دستگیر شدگان به ۳۰۰ نفر بالغ گشت. خانواده های زندانیان در استانداری و سپس در دادگستری تحضن نموده و خواهان آزادی عزیزان خود شدند. ضمانت نامی کتابخانه ها و کتابفروشی ها نیز به اشغال قوای نظامی درآمد.

بقیه در صفحه ۶

ما نمی میریم

در زیر تیغ سلطنت پنجاه ساله ننگین
در زیر رگبار مداوم توپ و تانکها
در زیر شکنجه ها و وحشت زندان
ما کشته دادیم و زجر کشیدیم ،
اما هرگز ، هرگز نمردیم .

پای مقاومت سخت توده ها
سنگین و استوار به پیش رفت
و در میانه شطی سرخ
بهمن خونین سرکشید

لیکن ، قیام بهمن مردم ،
وقتی که او ستاره سرخی بر تارکش
نداشت!

در معرض باد های مسموم زمستانی
و در هجوم دستهای سیاه و پنهانی
افول کرد

اینک ، نگاه کن ، ببین
مهاجمان تازه چگونه می تازند :
ورق های دانش تکه تکه می شوند
فریادهای آزادی مردم
میان خیابانها خونین میشوند
و توده های کارگر و دهقان
در اسارتی تازه می آیند .

و مادران داغ دیده دوباره می گویند :
آه ، باز هم شهید!

به مهاجمان تازه بگوئید
ما نمی میریم ،
بر سینه های خویش گلبوته های گلوله را
پذیرائیم
و گلبوته های حلقه زنجیر را
بر دست و پای خویش می پذیریم

لیکن ، هرگز سردرگاه چرکین شما
نمی سائیم

ما از تبار تسلیم نیستیم
ما نفسی میریم .

می دانیم از اسارت امروز تا آزادی فردا
راهی دراز و خونین است .
می دانیم شخم های شکنجه
بر بدن ما دوباره شیار خواهند کشید
می دانیم فرزندان خاک اسیر ما ،
بر چوبه های دار جای خواهند گرفت
می دانیم باد های متعفن و مسموم ،
برین سرزمین باز خواهند وزید .

می دانیم ، می دانیم
لیکن ، ما نمی میریم ،

ما از تبار تسلیم نیستیم
ما به فردای سرخ می اندیشیم .

۵۸/۵/۲۸

توده های مبارز!

خواست بحق خلق کرد خودمختاری و ریشه کن
ساختن بقایای ارباب و رعیتی می باشد .
حل انقلابی مسئله کردستان تنها با جلب
اعتماد و پشتیبانی توده های کرد و از طریق
برسمیت شناختن حق خودمختاری و حل مسئله
زمین بنفیع دهقانان امکانپذیر است .

دولت با سرکوب خونین توده های کرد و
برانگیختن احساسات پاک مذهبی توده ها بر
علیه خلق کرد و اطلاق "تجزیه طلبی" و " ضد
انقلاب" به آنان ، نه تنها مسئله کردستان را
حل نمی کند ، بلکه با شکاف انداختن بین خلق
های ایران هرچه بیشتر انقلاب را تضعیف
می کند . ارتجاع و فرصت طلبان را در کردستان
تقویت می کند و موقعیت سرسپردگان امپریا -
لیسم را در درون ارتش ، ادارات ، کارخانه ها
و . . . هرچه بیشتر تقویت می نماید .

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۸/۶/۳

بقیه از صفحه ۵ اخبار

☆ - ساعت ۹ شب ۵۸/۶/۵ رادیوتهران خبر اعدام ۸ نفر را در سنجج به
جرم قیام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی اعلام کرد که دو نفر از آنها که
با هم برادر بودند بنا بهای شهریارنا هیددا نشجوی سال چهارم دانشکده
پزشکی دانشگاه تهران و حسن نا هید دانشجوی دانشکده پلی تکنیک تهران
با استفاده از تعطیلات تابستانی برای دیدار والدین شان به سنجج
رفته بودند . این دو برادر از دانشجویان فعال و انقلابی بودند و در
سالهای پیش در رژیم شاه در پیشبرد جنبش دانشجویی نقش فعال داشتند .

تلگراف يك پاسدار به والدین خود

پدر و مادر حال من خوب ، اکنون در کردستان بر اثر نا آگاهی به
برادرکشی کشانده شدیم همه دروغ بود ، همه فریب ، متمدن ترین ، انسان
ترین افراد در اینجا هستند ، بخدا برادر کرد مهربانترین برادر است
خواهش می کنم این را به همه بگوئید همه اشتباه می کنند حتی رهبر
انقلاب . با ما نهایت انسانیت رفتار می کنند ، اصلا نگران نباشید من
برمی گردم . جواب فوری فوری قبول است . فرزندت . . .

اسم و آدرس محفوظ

۱۳۵۸/۶/۳

دست از تجاع از کردستان کوتاه

در کردستان چه میگذرد؟

در رابطه با هجوم ارتش و پاسداران به خلق کرد و اشغال سنج ، مردم کردستان برای دفاع از آزادی و حقوق انسانی خود بپا خاسته‌اند ، کلیه نیروهای سیاسی منطقه که طرفدار آرمان زحمتکشان می‌باشند در یک جبهه "مقاومت متحد خلق" گرد آمده‌اند تا بکمک شیرزبان و شیرمردانی که در شهرهای مهاباد و سنقر و یانه‌سردشت به ایجاد هسته‌های مقاومت در مقابل هجوم عوامل ارتجاع و امپریالیسم دست زده‌اند بشتابند ، طبق آخرین خبرها در مهاباد حتی زنان و بچه‌ها آموزش نظامی دیده و مهیای دفاع از شهر می‌شوند . شیخ عزالدین حسینی رهبر ملی خلق کرد طی نامه‌ای به سازمان ملل وضع دردناک مردم کردستان و توطئه عوامل ارتجاع و امپریالیسم را بازگو کرده است .

در رابطه با اعدام‌های اخیر مبارزان در قهرمانشهر (کرمانشاه) و پاوه ، بایستی بگوئیم که اکثر این افراد عناصر مبارز کمونیست بوده‌اند که در رابطه با گروه‌های سیاسی طرفدار طبقه کارگر و چریک‌های فدائی خلق فعالیت می‌کردند و چند تن از آنان از رهبران اعتصاب معلمین کرمانشاه در زمان شاه خائن بوده‌اند که در رژیم سابق به زندان افتاده بودند ، رژیم جدید این عده را فقط و فقط بجرم داشتن عقاید چپی دستگیر و اعدام نموده . بیشتر این افراد اساساً به پاوه قدم گذاشته‌اند جوانی ۱۶ ساله که در میان این افراد بود ، فقط بجرم فروختن روزنامه‌های دست چپسی اعدام گردیده است .

خلقهای قهرمان ایران برای جلوگیری از کشتار وحشیانه مردم کردستان و وافشای دسایس ارتجاع و امپریالیسم بپاخیزید !

(رزمندگان آزادی طبقه کارگر)

۱۳۵۸/۵/۲۰

بقیه از صفحه ۱

دست امپریالیسم از آبتین

نگاه نمی‌کنند . سابقه درخشان مبارزاتی هرمز و اعمال و رفتار انسانی و انقلابی او تمام تبلیغات دروغین مصادر قدرت را نقش بر آب می‌کند و آنهایی هم که ناآگاه هستند یعنی به ماهیت حکومت و ماهیت انقلابیون حامی زحمتکشان آگاه می‌ندارند دیری نخواهد پایید که آگاه می‌شوند و آنوقت این تفالیه‌ها را که به میوه چینی انقلاب پرداخته‌اند و مستقیم و غیرمستقیم به امپریالیسم جنایتکار خدمت می‌کنند به زباله‌دان تاریخ خواهند افکند . "هرمز" در زمان شاه خائن ، هنگامیکه دانشجوی دانشگاه تبریز بود به اتهام خرابکاری (قدرت شبیه اتهامی است که بوسیله رژیم ضد انقلابی کنونی به او زده شد ، اتهامی که به شهادت او منجر گشت) توسط ساواک دستگیر و زندانی شد . مدت محکومیت او که سه سال بود سراسر مقاومت دلیرانه برعلیه رژیم شاه و شکنجه‌گران آریامهری بود . و هر قدر هاری و سببیت شکنجه‌گران بیشتر میشد ، شدت مقاومت "هرمز" افزایش می‌یافت . او سرانجام بعد از سبزی شدن دوران سه ساله محکومیتش با دستی نیمه فلج و اعصابی خرد شده از زندان بیرون آمد . "هرمز" در زمان اوجگیری مبارزات توده‌های مردم در سالهای ۵۷ - ۵۶ با تعداد دیگری از معلمین انقلابی ، کانون فرهنگیان کرمانشاه را بنیان گذاشت . در اجتماعات این کانون در افشاکری وسیع برعلیه رژیم و دادن آگاهی و پیشش انقلابی به دیگران نقش مهمی را عهده دار بود . او شخصاً به شهرستانهای مختلف سفر می‌کرد و نیز امر توزیع و پخش اعلامیه را در سراسر استان به عهده داشت . "هرمز گرجی بیانی" نقشی بسیار فعال و تعیین کننده در شکل و پیشبرد مبارزه سیاسی معلمین و محصلین کرمانشاه عهده‌دار بود و هنگامیکه تعدادی از معلمین مبارز توسط رژیم شاه دستگیر شدند ، مخفی شد و مخفیانه به انجام وظایف انقلابی خود و دادن رهنمود به یاران انقلابی خود پرداخت . اما پس از قیام بهمن ماه و سقوط رژیم شاه ، با اینکه روز بروز چهره خلقی او برای نیروهای مترقی و زحمتکشان بیشتر شناخته میشد و مهر او در دل‌های بیشتری راه باز می‌کرد ، افزایش موج ضد کمونیستی که در خفا دستهای خونین امپریالیسم آمریکا آنرا راه می‌اندازد ، "هرمز" را هم مصون از ضربات خود نگذاشت ، همان طور که سایر مبارزین صدیق و جان برکفی

که خالمانه به توده‌های زحمتکش عشق می‌ورزیدند و نسبت به امپریالیسم و بخصوص امپریالیسم آمریکا تخم کینه و نفرت می‌پاشیدند در امان نماندند . آخوندهای مرتجع و "مجاهدین" بعد از انقلاب ، تهمت‌های فراوانی را نسبت به او وارد نمودند . او را کافر ، فاسد ، ضد انقلاب و ... خواندند . ولی این تبلیغات حایمان سرمایه‌داران نمی‌توانست هرمز را که حامی و مدافع زحمتکشان و بویژه طبقه کارگر بود از میدان بدر ببرد . او بصورت نیمه مخفی به فعالیت خود ادامه می‌داد . در جریان درگیریهای نقره ، مریوان و ... با جمع - آوری و ارسال غذا و دارو به کمک انقلاب - بیون کرد شتافت و در جهت ایجاد پشت جبهه برای خلق کرد از جان و دل مایه گذاشت . هرمز که نمونه‌ای از هزاران انقلابی - کمونیست بود ، انقلابیونی که بی باکانه و سازش ناپذیر برعلیه سرمایه و سرمایه‌داری وابسته می‌رزمند ، توسط ضد انقلابیون مرتجع به اتهام وا‌هی اغتشاش و تحریک در پاوه در حالیکه اصلاً به پاوه نرفته بود از خانه‌اش در کرمانشاه دستگیر شده و همراه با انقلابی دیگر اعدام می‌گردد . آری ، شهادت هرمز و هرمزها بدست قدرت حاکمه که در پی تهاجم حساب شده به پاوه و بزرگ کردن آن صورت گرفت ، در واقع جزو مهمترین و یا شاید مهمترین هدف ارتجاع بود . شکار انقلابیون و بویژه کمونیستها مورد نظر قدرت حاکمه بود و تاکنون در کردستان در موارد زیادی بصدان دست زده و بازدن انگ "ضد انقلابی" بداتها قلبهای برطیش آنان را که تنها در راه ملی و زحمتکشان می‌طبد ، در جهت منافع و مطامع امپریالیسم از حرکت بازمی‌دارد ، و اگر انقلابیون و کمونیستهای سراسر ایران به طرز آگاهانه و متشکل به مبارزه با این توطئه بزرگ امپریالیستی و ارتجاعی بر - نخیزند ، دیر یا زود در سایر شهرها و نقاط ایران موج کشتار انقلابیون راستین برهبری و با تحریک امپریالیسم و ارتجاع و بدست‌عمل آنها و بعضاً مردم ناآگاه صورت خواهد پذیرفت . پس در جهت مقابله با ارتجاع و امپریالیسم هوشیار و کوشا باشیم .

گرامی باد خا طره هرمزگرجی بیانی و دیگرانقلابیونی که در حوادث اخیرنا جوانمردانه توسط عوامل امپریالیسم و ارتجاع شهادت رسیدند .

برقرار باد خودمختاری خلقها در چهارچوب ایوانی دموکراتیک

بیام:

عزالدین حسینی

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت شریف و مسلمان ایران همه می - دانند مسئله شرکت نکردن در رفتارند که آن هم به علت مبهم بودن محتوی جمهوری اسلامی سوژه‌ای است برای دست اندر کاران حکومت ، با وجود اینکه بارها حتی همان روزهای اول در روزنامه‌ها و مطابعها اعلام داشتیم که معتقد به اهداف انقلاب هستیم و ایمان راسخ به میانی دین مقدس اسلام داریم ولی اصول قانون اساسی که هنوز تدوین نشده و محتوایش معلوم نیست نمی توان در - باره آن قضاوت نمود که صددرصد اسلامی و قرآنی است . چون در گذشته و حال هم حکومتیایی داشته و داریم بنام حکومت اسلامی که کمتر به اصول اسلامی دوران تصصات مذهبی خاص و اغراض پایبند بوده و هستند . حال که مسئله رفتارند به اصطلاح بیراهن عثمان شده است که به مناسبت و بی مناسبت به رخ ما کشیده میشود و رادیو و تلویزیون نیز از قول مقامات آنرا تکرار می نماید باید بگوئیم آن وقت برای اشخاص آگاه و مستقل

محتوای جمهوری اسلامی مبهم بود ! ولسی حال برای همه کاملاً آشکار است که حکومت بسوی دیکتاتوری جدید سوق داده و خفقان و اختناق به وجود آورده بختی است از این قانون اساسی ، سلب آزادی مطبوعات و روزنامه‌ها و حمله به کتابخانه‌ها و نیروهای مترقی و مردمی را می توان سهمی از دستاوردهای انقلاب اسلامی دانست . حمله عناصر معلوم - الحال که از طرف دستگاه حاکمه تقویست می شوند و از تظاهرات آرام و برگزاری میتینگ و کنفرانس جلوگیری نمودن و ضرب و جرح اشخاص بی دفاع را بنام دفاع از حوزه اسلام همه جزو مظاهر با شکوه انقلاب هستند . پیاده کردن پاسداران غیر بومی در مناطق کردستان و در اختیار گذاشتن اسلحه به عناصر مرتجع بخاطر ایجاد آشوب و بلوا و درگیری یکی دیگر از مظاهر با شکوه انقلاب است . اغدام و کشتن افراد بی گناه و تیرباران کردن جوانان انقلابی عرب و ترکمن و کرد بدون محاکمه فقط به جرم آزادیخواهی و مبارزه برای کسب حقوق تعیین سرنوشت نیز یکی دیگر از محتوای جمهوری اسلامی است ، که می بایست به آن رای بدهیم . آری ، دستگیری و بازداشت گروههای مختلف از فرزندان راستین خلق و آزار و شکنجه و اعدام آنان ایجاد ترس و

وحشت و جنگ روانی و تحریف واقعات نیز از مظاهر این انقلاب است . تدوین قانون کذایی در مجلس خبرگان بجای مجلس موسسان و انتخابات فرمایشی و قلابی و معاملت شرکت نماینده کرد با تهدید و ارباب یکی دیگر از نشانه‌های مساوات و رعایت عدالت اجتماعی و توجه به حقوق خلقها می باشد . لذا همه می دانیم چرا رادیو و تلویزیون بیشرمانه دم از توییح کسانی می زنند که در چنین رفتارندمی شرکت نکرده‌اند و آنرا بهانه برای سرکوبی و حمله به ملت خواهند کرد . ما بار دیگر قاطعانه به ملت شریف و مبارز ایران اعلام می داریم که خلق کرد تا شیل به حقوق حقه خود یعنی حق تعیین سرنوشت برای خود و سایر خلقهای ایران در چهارچوب ایران آزاد و مستقل سگر حق طلبانه خود را خالی نخواهند کرد و لحظه‌ای از مبارزه باز نخواهد ایستاد و در این مبارزه از کلیه ملت عزیز و مسلمان ایران خواستار پشتیبانی هستیم و انتظار داریم زیر پوشش کلمه مقدس مذهب فریب تبلیغات زهرآگین که نتیجه‌ای جز بنسداد - کشی و کشتار یکدیگر نخواهد بود نخورند . والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته .

سیدعزالدین حسینی
۱۳۵۸/۵/۲۱

اطلاعیه و قطعنامه

کلیه پزشکان و پرستاران و کادر درمانی بیمارستانهای آموزشی تهران در گردمهای روز ۵۸/۵/۲۱ پس از بررسی و مطالعه در احوال دکتر جراح ابوالقاسم رشوند سرداری که بشرح زیر است و پس از شور و بررسی ، عمل ارتجاعی و ضد انقلابی اعدام دکتر رشوند را محکوم نموده و نا دستگیری و محاکمه عامل اصلی جنایت هولناک بیمارزه خود علیه ارتجاع ادا شده داده و خواستار اجرای مفاد قطعنامه زیر از تمام مراجع مسئول هستیم :

- ۱ - دستگیری عاملین جنایت و محاکمه در دادگاه علنی با شرکت آزاد مردم و پزشکان .
- ۲ - تامین شغلی پزشکان و احترام به ساخت مقدس مراکز درمانی و تضمین قانونی آن .
- ۳ - اعلام خبر حقیقی واقعه از رادیو و تلویزیون و درج آن در کلیه روزنامه‌ها و وسائل ارتباط جمعی .

فداکاریهای بی مانندی از خود نشان داد است که در روزنامه‌ها نیز درج شد . در جریان کلیه کشتارهای تهران به دست رژیم سابق بخصوص روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن و روزهای متوالی بعد از آن در بیمارستان مجدانه مشغول درمان و جراحی مجروحین بوده است .

در جریان کلیه راه پیمانچها بخصوص روز ورود آیت الله خمینی ، ایشان سرپرست گروه امداد میدان منیریه بوده‌اند .

در جریان حادثه سنجج برای درمان مصدومین همراه گروه امداد بیمارستان به آن منطقه رفته‌اند و از خود فداکاریهای زیادی نشان داده‌اند ، اینبار نیز برای انجام تعهد پزشکی و مردمی خویش عازم باوه شد ، اما از آنجا که ارتجاع همواره شکارچی خادمین بملیت است فاجعه آفریدونا جوانمر - دانه این پزشک متعهد را در برابر جوخه اعدام قرار داد .

با توجه بمسائل بالا و با توجه به اینکه دکتر نامبرده بهیح گروه و حزب سیاسی وابسته نبوده است ، اعلام وابستگی ایشان به حزب دموکرات کردستان نیز بسیار احتماقنه می باشد .

۴ - از کلیه وکلای مبارز و متعهد سراسر ایران خواستار دفاع از آزادی بطور تمام و دفاع از حقوق از دست رفته پزشکان با لایحه دکتر ابوالقاسم رشوند سرداری هستیم .

۵ - تا دستیابی به کلیه خواسته‌های خود از با زگشت سرکار خودداری نموده و در جلسه وزارت بهداشت جمع خواهیم کرد (ساعت ۹ صبح روز شنبه ۲ شهریور)

بدیهی است کلیه بیماراران اورژانس در هر شرایطی پذیرفته و درمان خواهند شد .

۶ - با توجه به شناخت دقیق از دکتسر جراح شهید ابوالقاسم رشوند سرداری نیازی به ارائه مدارک دادگاه ضد انقلابی نداریم . زیرا :

دکتر شهید ابوالقاسم رشوند سرداری متولد و اهل تهران در هنگام شهادت ۲۷ ساله و از پزشکان مبارز و انقلابی بوده که در تمام دوران انقلاب ایران فعالیت - هایش دلیل بر صداقت و ایمان وی بوده پیروزی انقلاب ایران و تعهدش به مردم سبب شده بود که از وی انسانی والا و مبارز بسازد . در جریان کشتارهای نتاوتند بسا همکاری گروه امداد پزشک آیت الله طالقانی بمدت چند روز جانفشانی ها و

نابود باد تو طمئه های ارتجاع و امپریالیسم بر علیه خلق کرد